

**نویسنده:** اندرو کوریبکو (Andrew Korybko) [22]  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2023-02-02»  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

---

## روابط روسیه و پاکستان در پی کودتا علیه عمران خان

### *Russia-Pakistan Relations in the Wake of Coup against Imran Khan*

بلاول بوتو زرداری وزیر امور خارجه (BBZ) از مسکو دیدن کرد

*Foreign Minister Bilawal Bhutto Zardari (BBZ) Visits Moscow*



بلاول بوتو وزیر خارجه پاکستان و سرگی لاوروف وزیر خارجه فدراتیف روسیه

\*\*\*\*\*

البته این در راستای منافع ملی عینی پاکستان است که با موفقیت قرار دادهای اقتصادی و انرژی جامعی با روسیه منعقد کند تا از فشار ناشی از بحرانهای آبشاری سال گذشته بر این کشور بکاهد، اما اینکه این اتفاق تازه در حال وقوع است نیز تلخ است. اگر تقریباً یک سال پیش پس از سفر عمران خان، نخست وزیر پیشین رخ می داد، ممکن بود آن بحرانهای فوق الذکر هرگز رخ نمی داد، یا دست کم نه به شدتی که در مورد بحرانهای اقتصادی و مالی رخ داد. رخ میداد

همکاری اقتصادی و انرژی روسیه و پاکستان به تازگی جهشی بزرگ به جلو داشته است. در اواسط ژانویه پس از آخرین کمیسیون بین دولتی بین این دو شریک غیرسنتی که دید آنها توافق کردند که به طور جامع روابط مرتبط بین خود را گسترش دهند.

بلافاصله پس از آن، بلاول بوتو، وزیر امور خارجه، این هفته از مسکو بازدید کرد، تقریباً یک سال پس از آن، نخست وزیر سابق عمران خان (IK).

این دو سفر **حس نژاوو** [احساس اینکه قبلاً موقعیت فعلی را تجربه کرده اید. **توسط این قلم**] را برانگیخت زیرا هر دو مربوط به همکاری اقتصادی و انرژی بودند که هر یک از نمایندگان مربوطه موافقت کردند که با میزبانان روسی خود بیشتر گسترش دهند با این حال، تفاوت بین آنها در زمینه ای است که در آن رخ داده اند و همچنین نتیجه برای هر یک از آنها شخصاً IK دقیقاً در همان روزی که روسیه عملیات ویژه خود را در اوکراین آغاز کرد به طور تصادفی از این کشور بازدید کرد و روابط پاکستان با ایالات متحده در آن زمان به طرز محسوسی متشنج بود.

او به سرعت در اوایل ماه آوریل از طریق یک کودتای پست مدرن که توسط ایالات متحده سازماندهی شده بود، اما سطحی "دموکراتیک" بود، که بسیاری گمان می کنند توسط **ژنرال قمر جاوید باجووا**، رئیس سابق ستاد ارتش (COAS) نظارت می شد، خلع شد. روابط با روسیه به طور غیررسمی متوقف شد در حالی که روابط با ایالات متحده بهبود یافت، حداقل از نظر لفاظی پاکستان سپس وارد دیکتاتوری پست مدرن شد، جایی که امروز در میان گذار سیستمی جهانی به چندقطبی که به طور آشفتگی به سوی اهداف نامشخص شتاب می گیرد، باقی مانده است.

از آن زمان تا کنون، بحران های اقتصادی، مالی، سیاسی و امنیتی پراکنده پاکستان را درنوردید که ریشه های آن به نوعی قبل از کودتای پست مدرن آوریل گذشته (حداقل تا حدی که به هم پیوسته های اقتصادی و مالی به هم پیوسته بودند) بود، اما بدون شک توسط آن تشدید شد. بدیهی است که به دلیل فشار ایالات متحده، ناکامی جانشینان **آی کی** در دستیابی به قرارداد ترجیحی انرژی که او با روسیه در حال مذاکره بود، سختی های تحمیل شده بر مردم عادی پاکستان را بیشتر کرد.

**مصاحبه عمران خان** با PBS تصورات نادرست تسلیحاتی درباره او را تصحیح کرد

با این وجود، پاکستان رسماً در جنگ سرد جدید نسبت به جهت گیری انتقال سیستمی جهانی که قبلاً ذکر شد بین میلیارد طلایی غرب به رهبری ایالات متحده و جنوب جهانی مشترکاً به رهبری **بریکس** و سازمان همکاری شانگهای که روسیه نیز بخشی از آن است، بی طرف ماند و روسیه نیز بخشی از آن است. مسکو در سازمان ملل انتصاب **عاصم منیر** جدید COAS در اواخر نوامبر مصادف شد با از سرگیری جدی مذاکرات اقتصادی و انرژی پاکستان با روسیه که از آوریل گذشته به طور غیررسمی در اکثر موارد متوقف شده بود.

در آستانه تغییر نگرهان بود که "روایت رسمی" در مورد واردات انرژی روسیه که به طور مصنوعی توسط رژیم کودتای پست مدرن پس از برکناری **عمران خان** ساخته شده بود، شروع به تغییر کرد به جای اصرار مداوم بر اینکه پاکستان نمی تواند نفت روسیه را فرآوری کند، آنها اکنون پیش بینی کردند که یک توافق بزرگ انرژی می تواند به حل بحران کشورشان کمک کند. ایالات متحده با اطمینان دادن رسمی به پاکستان در اواسط اکتبر مبنی بر اینکه چنین خریدهایی قابل تحریم نیستند، این تغییر را تسریع کرد.

واشنگتن بلافاصله قبل از سفر «بلال» BBZ به مسکو این موضع را مجدداً تأیید کرد، که می توان آن را به عنوان چراغ سبز به پاکستان برای خرید منابع روسیه تفسیر کرد، برخلاف خصومت احتمالی قبلی این کشور با این اقدام در آستانه سفر **عمران خان** تقریباً یک سال پیش. چیزی که به نظر می رسد تغییر کرده این است که ایالات متحده دریافته است که دسترسی مطمئن پاکستان به منابع ارزان قیمت روسیه برای کمک به حفظ رژیم کودتای وارداتی پسا مدرن خود در آنجا لازم است.

در ماه‌های آخر تصدی **عمرانخان**، ایالات متحده چنین دسترسی قابل اعتمادی را به عنوان در پیچه‌ای از فشار داخلی فزاینده ناشی از بحران‌های اقتصادی و مالی قریب‌الوقوع پاکستان در آن زمان تلقی می‌کرد، که متعاقباً به دنبال استفاده از آن در دادگاه افکار عمومی برای توجیه پست خود بود. کودتای مدرن پس از خراب کردن این مذاکرات از طریق برکناری او، که پس از آن به طور غیر رسمی متوقف شد، همه چیز به سقوط آزاد رفت.

از یک طرف، این پیامد فاجعه بار به ایالات متحده امکان داد تا هژمونی رو به افول تک قطبی خود را بر دولت پاکستان از طریق ایجاد تسهیلات مربوطه مانند توافقات بین المللی صندوق بین المللی پول یا روسیه در زمینه انرژی، به تأیید آمریکا بازگرداند. با این حال، از سوی دیگر، ناخواسته به اعتراضات گسترده اما کاملاً مسالمت آمیز رهبری شده توسط **عمرانخان** کمک کرد، پس از اینکه پاکستانی‌های معمولی متوجه شدند که جانشینان او قادر به بهبود اقتصاد نیستند، همانطور که وعده داده بودند (و به همین دلیل آنها ادعا کردند که او را برکنار می‌کنند).

در چنین شرایطی، عملگرترین راهکار از منظر منافع کلان استراتژیک ایالات متحده، روشن کردن از سرگیری مذاکرات انرژی پاکستان و روسیه بود به این امید که دولت نیابتی منطقه‌ای بازسازی شده آن بتواند تا حدودی از مشکلات اقتصادی و مالی خودآزاری خلاص شود. فشار ناکامی در انجام این کار می‌تواند باعث اعتراضات بیشتر شود، که به نوبه خود ممکن است تنها با نیرویی وحشیانه سرکوب شود که در نتیجه خطر بی‌اعتبار کردن کامل رژیم کودتای پست مدرن را در چشمان عموم غربی به همراه خواهد داشت.

بنابراین، در همین چارچوب تازه کشف شده بود که **BBZ** «بلال» تقریباً یک سال پس از انجام «عمرانخان» و به همان دلیلی که رهبر برکنار شده از مسکو بازدید کرد، از این رو دژاویوی است که ناظران مشتاق تجربه می‌کنند. نتیجه سفرهای مربوطه آنها کاملاً متفاوت است، اما از آنجایی که ایالات متحده مذاکرات انرژی **BBZ** با روسیه را تأیید کرد و در عین حال با **عمرانخان** مخالفت کرد، به همین دلیل است که اولی مانند دومی در نهایت در معرض خطر برکناری نیست.

البته این در راستای منافع ملی عینی پاکستان است که با موفقیت قراردادهای اقتصادی و انرژی جامعی با روسیه منعقد کند تا از فشار ناشی از بحران‌های آبخاری سال گذشته بر این کشور بکاهد، اما اینکه این اتفاق تازه در حال وقوع است نیز تلخ است. اگر تقریباً یک سال پیش پس از بازدید **عمرانخان** رخ می‌داد، ممکن بود آن بحران‌های فوق‌الذکر هرگز رخ نمی‌داد، یا حداقل نه به شدتی که در مورد بحران‌های اقتصادی و مالی رخ داد.

نکته مهم این است که آسیب وارد شده به پاکستان توسط کودتای پسامدرن سازماندهی شده اما سطحی "دموکراتیک" که بسیاری گمان می‌کنند **کوآس باجوا** علیه **عمرانخان** به عنوان تنبیه سیاست خارجی مستقل خود بر آن نظارت کرده بود، کاملاً غیر ضروری بود و می‌شد از آن اجتناب کرد. نتیجه غیرقابل انکار این است که این کشور در حال حاضر کاملاً ضعیفتر از یک سال پیش است و این مؤید این است که کسانی که او را سرنگون کردند واقعاً به منافع عینی ملی پاکستان آسیب رساندند.

## چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

**اندرو کوریبکو** یک تحلیلگر سیاسی آمریکایی مستقر در مسکو است که متخصص در رابطه بین استراتژی ایالات متحده در آفریقا-اوراسیا، چشم انداز جهانی یک کمربند یک جاده چین برای اتصال جاده ابریشم جدید و جنگ ترکیبی است. او به طور مکرر در تحقیقات جهانی مشارکت دارد.

----- **با تقدیم سلامها «2023-02-04»**